

## گفتاری از حجت‌الاسلام محمد جعفری در باب نقش روزه در شریعت و معنویت دینی

# نگاره روزه در معنویت

نوشتار پیش رو گفتاری از حجت‌الاسلام والمسلمین محمد جعفری، عضو هیات علمی موسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی (ره) با موضوع «نقش روزه در شریعت و معنویت دینی و نسبت آن با معنویت سکولار» است که در مجموعه فکرت ایراد شده است.

موضوع مورد بحث من نقش روزه در معنویت دینی است. البته به شکل خاص‌تر بحث نقش روزه در شریعت و معنویت و نسبت آن با اخلاقی و معنویت مدرن و سکولار را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

قبیل از اینکه به بحث اصلی درباره نقش روزه در معنویت بپردازم، اجازه می‌خواهم به دیدگاه‌های مختلفی که درباره شریعت و اساسا جایگاه شریعت در فضای معنویت داریم، اشاره‌ای کنم؛ یعنی اساسا نقش شریعت در معنویت چیست؟

ابتدا یک معنای واضح و روشنی را عرض کنم. مراد از شریعت در اینجا معنای

### ۱- معنویت شریعت‌محور

دیدگاه اول، دیدگاه معنویت شریعت‌محور یا معنویت شریعت‌پذیر است که این‌نگرش همان نگرشی است که در فضای معنویت دینی مدنظر است. مراد از معنویت دینی، معنویت وحیانی و معنویت الهی است که درباره ادیان الهی ما این معنویت را مشاهده می‌کنیم، بویژه در فضای معنویت اسلامی بشدت و به حد نسبت به نقش شریعت توجه می‌شود. بعد از اینکه در خود دین روی باورها و شناخت‌های بنیادین تأکید می‌شود که از آن به عنوان اعتقادات تعبیر می‌کنیم، ما باید در واقع به سمت یک هدفی حرکت کنیم؛ یعنی وقتی که ما باورها و جهان‌بینی الهی پیدا کردیم و به این رسیدیم که خدا منبع همه زیبایی‌ها و سرچشمه همه کمالات است، قرب الی‌الله هدف می‌شود و باید به سمت این هدف حرکت کنیم. خب! این حرکت به سمت این هدف طبیعتا الزاماتی می‌طلبد، چارچوب‌هایی می‌خواهد؛ این الزامات چیزی

نیست جز شریعت. اینکه در فضای معنویت دینی کاملا نسبت به شریعت توجه می‌شود و معنویت خارج از شریعت اساسا امری دست‌نیافتنی تلقی می‌شود، دقیقا بر اساس همین نکته است. حرکت به سمت آن هدف عالی انسانی که کمال نهایی انسان است و در فضای جهان‌بینی الهی شکل می‌گیرد، چارچوب‌هایی می‌خواهد که آن چارچوب‌ها شریعت است. این چارچوب‌ها به مثابه همان محرکات و واجبات و بعضا مستحباتی است که در شریعت تعیین شده‌اند برای رسیدن به یک هدف عالی. پس ما اصل ضرورت چارچوب‌های رفتاری و اخلاقی را داریم اما اینکه نحوه و راه و روش و ساز و کار این الزامات به چه صورت است، طبیعا عقل انسان در اینجا نمی‌تواند به همه ابعاد و جزئیات برسد و باید دست‌تاما به سمت وحی دراز کند و اینجاست که شریعت ما کاملا صبغه وحیانی پیدا می‌کند.

### ۲- معنویت شریعت‌بدیل

دیدگاه دوم، معنویت شریعت‌بدیل است؛ معنوتی که معتقد به حسن شریعت است و شریعت را لازم می‌داند ولی شریعت را دائمی نمی‌داند یا شریعت را برای همه زمان‌ها لازم نمی‌داند. یا آلت‌رناتیوها و بدیل‌هایی را در کنار شریعت برای ما قرار می‌دهد که به اصطلاح بر اساس عمل به آنها هم شما می‌توانید به آن هدف برسید. این نگرش شریعت‌بدیل را ما در برخی عرفان‌های نوظهور مشاهده می‌کنیم. درست است که برخی عرفان‌های نوظهور، شریعت دینی و واجبات و محرکات این شریعت می‌کنند ولی آنها را با چیزهای دیگر جایگزین می‌کنند. مثلا فرض کنید در آیین بودیسم دالایی‌لاما، در کنار شریعت دینی یک سری مناسک دیگر را برای خودشان طراحی کرده‌اند که این مناسک را مثلا

### ۳- معنویت شریعت‌گریز

دسته سوم، معنویت شریعت‌گریز است. یعنی شریعت را نه اینکه نفی بکنند یا با شریعت مخالفت داشته باشند، بلکه به یک نحوه گریز و گریز از شریعت قائل هستند. من به نحوی ۲ یا ۳ تا شاخه و مصداق را برای شریعت‌گریزی ذکر کرده‌ام. مثلا مسیحیت یک معنویت شریعت‌گریز است. مسیحیتی که مبتنی بر اندیشه پولس است، یعنی همین معنویت موجود، مسیحیتی است که کاملا از شریعت تهی است. یا شریعت نقش بسیار کم‌رنگی در آن دارد. این هم برمی‌گردد به تعالیم یا تحریقاتی که آقای پولس ایجاد کرد که شریعت را به عنوان یک نقطه شکاف بین خدا و انسان می‌دید. او معتقد بود شریعت بیشتر باعث فاصله افتادن بین خدا و انسان شده، لذا شریعت باید کنار گذاشته شود. او در نامه به رومیان، مفصل این مساله را باز می‌کند، لذا مسیحیتی که شریعت را بسیار کم‌رنگ می‌کند، از نظر بعد شریعتی و الزامات دینی در مسیحیت، می‌بینیم که بشدت الزامات دینی کم‌رنگ است. شاید به عنوان مصداق دوم هم می‌شود تصوف را مطرح کرد که حالا همان مقوله شریعت، طریقت و حقیقت را مطرح می‌کنند. در واقع آن مقوله گوهر و صدف را مطرح می‌کنند. آنها گوهر دین را رسیدن به حقیقت متعالی می‌دانند و این مناسک دینی را به عنوان یک مسیر یا یک راه در نظر می‌گیرند. مثلا می‌گویند شما به پلکانی نیاز دارید که با آن به بالای بام برسید. بعد که به بالای بام رسیدید، دیگر به آن نیازی ندارید.

البته این را که عرض می‌کنم به همه صوفیه نسبت نمی‌دهم، بلکه آنهایی را که به نحوی این شریعت، طریقت و حقیقت را یک محملی قرار داده و به نحوی

خاص شریعت است که همان بایدها و نبایدها و الزامات رفتاری و اخلاقی است. گاهی اوقات شریعت به معنای عام به کار می‌رود و مراد از شریعت خود دین است. این معنای عام در اینجا مد نظر بنده نیست. معنای خاص شریعت که آن الزامات و بایدهاست مورد نظر بنده است. این الزامات نیز هم جواری است و هم جوانجی. هم شامل حوزه اخلاقی می‌شود که در حوزه باطن انسان دیده می‌شود و هم شامل حوزه فقه می‌شود که بایدها و نبایدهای بیرونی ماست. نقش شریعت در معنویت چیست؟ یکی از بحث‌های بسیار جدی و مهم و چه بسا پرچالش، مقوله جایگاه شریعت در معنویت است.

### ۴- معنویت شریعت‌ستیز

اما دسته آخر، معنویت شریعت‌ستیز است. این معنویت شریعت‌ستیز معنوتایی است که اساسا در ستیز و در تضاد با شریعت است. در دیدگاه قبلی، در دیدگاه ۲ و ۳، در معنویت بدیل یا معنویت شریعت‌گریز، شریعت مورد ضرورت نیست. ما حاجت ضروری و نیاز الزامی نسبت به شریعت نداریم ولی با شریعت ستیز و تضادی هم شکل نمی‌گیرد اما در دیدگاه آخر، اساسا وجود شریعت یک امر مخل معنویت است. یعنی اساسا خود شریعت مخل معنویت است. اگر به معنویت دست پیدا کنید، باید شریعت را کنار بگذارید.

در برخی معنویت‌های نوظهور امروزی، لذت‌گرایی به عنوان یک اصل دیده می‌شود. مثلا در معنویت اوشو، بشدت روی سکس مدیتیشن تأکید می‌شود. اگر شما می‌خواهید به آن مثلا تعالی برسید، باید به سکس به عنوان یک به اصطلاح مسیر مقدس نگاه کنید. آن هم بدون هیچ‌گونه چارچوبی. یک لیبرالیسم اخلاقی به شکل مفرط توصیه می‌شود. جالب است که همین آقای اوشو، بر اساس نگاهی که به آیین تنتره دارد، یک زوربای بودایی درست می‌کند که ترکیبی از بودا و زورباست. زوربا یک شخصیت شهوت‌پرست و بودا منزوی و مثلا زاهد

### ۵- نقش روزه در معنویت

در ماه مبارک رمضان، یکی از مهم‌ترین نعمت‌های این سفره نعمت روزه است. نقش روزه در معنویت چیست؟ بر اساس آن نگرشی که در فضای دینی خودمان داریم که معنویت را معنویت قدسی و معنویت الهی و ملکوتی می‌دانیم، واقعا خود روزه، امساک از اذان صبح تا اذان مغرب و این پرهیز و رواداری چه نقشی در معنویت و در تعالی معنوی و در تعالی روحی ما دارد؟ اساسا ما تعریف‌مان از معنویت یک تعریف خاص و ویژه‌ای است که متفاوت از معنویت سکولار است. معنویت ما کاملا جنبه قدسی و ملکوتی دارد و بر اساس اعتقادی که به روح داریم، روحانیت را قائلیم. حالا نقش این روزه در آن بعد روحانی و بعد قدسی و بعد معنوی و تعالی نفس انسان چیست؟

من ۵ مؤلفه را احصا کرده‌ام و می‌شود مؤلفه‌های دیگری را هم در نظر گرفت. این ۵ مؤلفه، مؤلفه‌های معنویت‌ساز در فضای روزه هستند، البته در مناسک دیگر هم دیده می‌شوند. ۱- نیت: ممکن است من امساک‌های دیگری هم داشته باشم. امساک‌هایی که چه بسا حالا الان داریم، افرادی که آبدارمانی می‌کنند، کسانی که رژیم می‌گیرند و... این نیت در آنها دیده نمی‌شود. شما اینجا یک نیت دارید. نیت شما الهی است، بر اساس پذیرش فرمان الهی. کسی که در واقع مالک کل هستی است و ربوبیت کل عالم به دست اوست. او امر کرده و ما می‌دانم که او به اصطلاح حاکم بر من است و او مالک من است. این صرفا از بعد اطاعت عبد نسبت به مالک نیست، بلکه از بعد اطاعت یک عاشق نسبت به معشوق است، چون خدا را سرچشمه همه زیبایی‌ها می‌دانم و آن محبتی که محبت کاملا اختیاری و ارادی و قلبی است به او دارم، بر این اساس من حرف او را می‌خواهم بپذیرم. مانند اینکه شما کسی را که دوستش دارید از صمیم قلب به حرف او توجه می‌کنید. نیت اینجا نقش بازی می‌کند.

خداوند می‌فرماید «روزه برای من است و من جزای روزه‌ام». در تفسیر این روایت بزرگان ما فرموده‌اند چرا خدا گفته من جزای روزه‌دارم؟ کسی که روزه را مخلصانه انجام دهد، به جنت لقاء راه پیدا می‌کند، چر؟! چون نهایت اخلاص در روزه است. در سایر مناسک رپا می‌تواند راه پیدا کند. مثلا عبادت‌هایی که کاملا بروز و ظهور محسوس دارد، رپا راه دارد ولی در روزه، امساکات شما هیچ‌کدام دیده نمی‌شود، لذا حضرت صدیقه طاهره (س) در خطبه فدکیه می‌فرمایند خدا روزه را تشریح کرد

دوشنبه ۲۷ اسفند ۱۴۰۳

وطن امروز | شماره ۴۲۸۱

## اندیشه

درباره فلسفه روزه-۳

### ماه توبه

گفته شده است ماه رمضان، ماه توبه است. ماه انابه و استغفار است. دستور آمده است هر وقت انسان خطی کرد، همان‌جا استغفار کند، بلکه نگذارد بر او ساعت‌ها و روزها بگذرد. گاه گفته‌اند اگر فردی گناه کرد و پیش از چند ساعت -ظاهرا ۶ ساعت - استغفار کرد، اصلا آن گناه در نامه عمل او نوشته نمی‌شود. آنی که انسان را از شیطان جدا کرد، همین است. شیطان خطا کرد و از خطای خود کوتاه نیامد. آدم طبق بیان قرآن قرار بود که از آن شجره نخورد اما خورد و از بهشت بیرون رانده شد ولی با توبه‌ای که کرد، مورد پذیرش خدا و برگزیده خدا شد. سر آن در توبه و انابه است. خاصیت انسان شکستن خوداوست؛ همین که انسان بپذیرد خطایی کرده و از خلاف دست بردارد.

خداوند سبحان ماه رمضان را به عنوان استغفار سال قرار داد. در این دهایی که ما در ماه رمضان می‌خوانیم آمده که «هَذَا شَهْرُ الْإِنْبَاءِ وَ هَذَا شَهْرُ التَّوْبَةِ» این ماه، ماه توبه است. یعنی برای سال هم انسان باید توبه و استغفار داشته باشد. نکند این ماه رمضان بگذرد و ما به سمت خدا نرویم و خست و خطاهای خود را نپذیریم. نکند رمضان بگذرد و توبه نکرده باشیم. آنچه به ما یاد داده‌اند این است که خدایا از آنچه می‌دانیم و نمی‌دانیم استغفار می‌کنیم. این شب‌ها و روزها، شب‌ها و روزهای استغفار و توبه و انابه است. خداوند سبحان می‌فرماید «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ» خدا توبه‌کنندگان را دوست دارد. نه اینکه فقط توبه را می‌پذیرد، بلکه توبه‌کننده را دوست دارد، یعنی نظام عالم به سمت او می‌شود، اصلاح امر او می‌کند، عنایت ویژه بر او تعلق می‌گیرد.

ماه رمضان ماه توبه است. این ماه توبه، معنا دارد. یعنی این ماه، برای سال تشریح شده است. در سال‌گاه انسان خطا می‌کند، یک جایباید تصحیح کند؛ اینجا بهترین وقت است. رسول اکرم (ص) در پایان ماه شعبان برای استغفار ماه رمضان، در باب ماه رمضان اوصافی را نام برده و توصیه‌هایی کرده است: «إِنَّ أَنْفُسَكُمْ مَرْهُونَةٌ بِأَعْمَالِكُمْ فَكُفُّواهَا بِاسْتِغْفَارِكُمْ». جان‌های شما در گرو کارهای شماست. پس با آموزش‌خواهی خود، آنها را آزاد سازید. رسول خدا برای ماه رمضان توصیه می‌کند که ای مردم! شما در گرو اعمال‌تان هستید، اعمال‌تان باعث شده است در زحمت بیفتید. با استغفار کردن‌تان این گردن‌های در گرو گرفته شده را آزاد کنید.

در ادامه می‌فرماید «استغفار کمزور کند». یعنی این ماه باید انسان مورد مغفرت قرار گیرد. در روایت آمده است شقی و اهل شقاوت کسی است که غفران رمضان شامل حال او نشود. یعنی رمضان بگذرد و بگوند او را نبخشیدیم. شقی کسی است که از غفران رمضان جا بماند. چرا در رمضان خداوند برای استغفار گشاده‌دست است؟ روایات ما فراوان در این زمینه توضیح دارد که خدا در هر شبی از شب‌ها می‌بخشد. پی در پی می‌بخشد. وقتی انسان این روایات را نگاه می‌کند، می‌بیند مثل اینکه خدا در رمضان گشاده‌دست دارد. یک سر آن همین است تو روزه گرفتی و خدا با تو سخت نمی‌گیرد. تو اگر حتی نتوانستی روزه بگیری، حرمت رمضان را نگه داشتی، در مألعم غنا نمی‌خوری، لذا خدا هم بر تو سخت نمی‌گیرد.

انسان باید این حس استغفار را بگیرد، این حال توبه را پیدا کند و به تعبیر امیرالمؤمنین بیزار از اعمال گذشته‌اش باشد. از خلافتش بیزار شود، حقیقتا توبه کند. خدا پاسخش را می‌دهد. بویژه در شب‌های قدر که شب‌های قدر را باید دریافت. شب‌های قدر برای این نوع امور بی‌ظنیر است. الحمدلله به شکل اجتماعی به ما یاد داده‌اند که در شب‌های قدر جمع می‌شویم و به شکل عمومی و جمعی استغفار می‌کنیم. اینجا همه اثر دارد. باید به حس استغفار، حس انابه و حس توبه در رمضان توجه کرد. این برای کل سال است. یعنی بارهایی که بر دوش ما است و این رسول‌الله یک راهش طول سجده و عبادت است و یک راهش استغفار است.



استاد سید عبدالله یزدانی پناه

